



عناصر پاسخ گوئی در حکومت نبوی

پدیدآورده (ها) : نوایی، علی اکبر
علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: آذر - اسفند 1383 - شماره 49
و 50 (ISC)
از 18 تا 36
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20579>

دانلود شده توسط : rasa news
تاریخ دانلود : 11/06/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مسابانی



عناصر پانچ کویبی در حکومت نبوی
دیرگی های حکومت پانچ کویبی در سیما مدیریت علوی
مؤلفه های نظام حق و تکلیف در نج ابله
تبیین طیف انواع مدیران از منظر امام علی
مردم سالاری دینی پانچ بنیادین حکومت دینی
فرهنگ پرشکری پانچ کویبی، لوازم و موانع نظارت جمعی
استعداد و انقیاد پذیری

عناصر پاسخ گویی در حکومت نبوی

علی اکبر نوایی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

حکومت نبوی، در طلیعه‌ی تاریخ اسلامی، تحولی همه جانبه بود و منشأ تحولاتی سترگ در تاریخ گردید. پیامبر ﷺ در این حکومت براساس مسؤولیت‌ها و رسالت‌هایی که بر دوشش نهاده شده، باید به گونه‌ای خط مشی سیاسی، مبارزاتی و عملی خویش را تنظیم نماید که پاسخ دردها و آلام بشریت، تا واپسین دم تاریخ باشد. از این رو حکومت را بنیان نهاد که بتواند الفت، صمیمیت، امنیت، عدالت، حق طلبی و شکوهمندی‌هایی از این قبیل را در تاریخ برنشانند.

با چنین نگاهی، حکومت پیامبر ﷺ، حکومتی پاسخ‌گو بوده، یعنی توانسته به انتظارات، خواست‌ها و فریادهای حق طلبانه، بشریت، پاسخ

عملی و درخور بدهد.

این مسأله را هنگامی به درستی درمی‌یابیم که نگاهی به عصر بعثت و انتظارات نسل‌ها، در این عصر، داشته باشیم. پیامبر ﷺ به حیرت‌ها و گمراهی‌ها، جهالت‌ها خاتمه دادند و جامعه‌ای نمونه و بی‌بدیل را پایه‌گذاری کردند و این مسأله با طرح هجرت نبوی و تأسیس حکومت در مدینه، جامعه‌ی عمل پوشید.

پاسخ‌های حکومت نبوی، پروراندن کارگزارانی درستکار در حکومت، چشاندن طعم عدالت به کام دردمندان و مستضعفان در تاریخ بود. همچنین استقرار وحدت، امنیت و برآمدن تکاملی همه‌جانبه، در همه‌ی عرصه‌ها و قلمروها پاسخی بود که پیامبر ﷺ در حکومت خویش به منتظران عدالت و تشنگان حق و فضیلت داد. و بدین‌سان حکومت و دولت نبوی، دولتی اسوه و الگو، در پاسخ‌گویی، در تاریخ بشر بوده است.

واژگان کلیدی

پاسخ‌گویی، دولت، انتظارات، خدمت‌گزاری، مسؤولیت، تغییر، تربیت، تکامل، حق، عدالت، اوم، فردی

رسالت محمد ﷺ رسالتی پاسخ‌گو

در نگاهی کلی، رسالت پیامبر اسلام ﷺ، در جهت پاسخ‌گویی به اوضاع بحرانی جوامع انسانی بوده و در ماهیت جهانی دعوت، پاسخ‌گویی به دردها و آلام بشریت قرار داده شده است.

پیامبر اسلام ﷺ، پیام آور رحمت و در راه چنین پاسخی به انسانیت است، و در راه این پاسخ‌گویی، جامعه‌ای را بنیاد می‌گذارد که اخلاقیات فردی و معنویات روحی، احکام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و روابط فردی و جمعی، حقوق و معنویت، فرهنگ و رسوم اجتماعی، تعلیم و تربیت، بهداشت،

آداب و معاشرت، ترکیه‌ی نفس، خدافهمی، درک حریم‌ها و وصول به حوزه‌ی ادراک مسؤلیت و... در پروسه‌ای از انقلاب بنیادی قرار می‌گیرند. این دو آیه‌ی کریمه از قرآن مجید، به خوبی جامعه‌ی آرمانی نبوی را به تصویر کشیده است و همچنین تیپ رسالت تاریخی پیامبر ﷺ را، در جهت پاسخ‌گویی به خواست‌های الهی و نهادی انسان‌ها، تبیین نموده است.

محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست و آنان که با اویند، سخت گیرانند بر کفار، مهربانند با خویشان، آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی (عبادت پیشگانند) می‌جویند فضل خدا را و در طلب رضایت اویند، نشانی سیمای آنها است در چهره‌های سجده‌گونه‌شان، این است مثل آنان در تورات و مثل آنان در انجیل، همچون زراعتی هستند که جوانه‌ی خود را درآورده، پس استوارش نموده و ستبر و تنومند گردیده (جامعه‌ای هم طراز با آرمان‌های الهی و توانا) و روی پای خود ایستاده (مستقل، توانا، مقتدر گردیده) که مایه‌ی شگفتی سازندگانش شده، تا خشم آورند به ایشان کافران (بر اثر کینه‌ی پنهانی که در دل‌های پلیدشان است)، خداوند وعده داده آنانی را که ایمان آورده‌اند و کاری شایسته انجام داده‌اند، که آنها را ببخشاید و مزدی گران عطا فرماید. (فتح، ۲۹)

آنان که از پیامبری درس ناخوانده پیروی می‌کنند، همان که نام مبارکش را در تورات و انجیل یافته‌اند، که امر به معروفشان نموده و نهی از منکر می‌نماید و پاکی‌ها را بر آنها حلال می‌فرماید، و ناپاکی‌ها را حرامشان می‌نماید، بار گران را از دوش آنها برمی‌دارد و زنجیرهای بسته شده بر وجودشان را باز می‌نماید، پس کسانی که به او ایمان آورده و محترم‌ش دارند و یاریش کنند و نور وجود او را پیرو باشند، که بر او نازل شده، آنها رستگارانند. (اعراف، ۱۵۷)

جامعه‌ی نبوی، با خواست مردمی

جامعه‌ای که پیامبر ﷺ در مدینه، دست به تأسیس آن زد، اولاً نظامی الهی و

دینی و ثانیاً گریته‌ای است که با خواست مردمی شیفته و عاشق، تأسیس گردیده است، این واقعیت را با مراجعه‌ای کوتاه و گذرا به تاریخ صدر اسلام مشاهده می‌کنیم. در روزگار نزدیک به هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، زمینه‌های تشکیل این دولت الهی مردمی فراهم گردید.

در سال‌های نزدیک به هجرت، نزاعی سخت بین دو قبیله اوس و خزرج درگرفت، آن جنگ به یوم بعث معروف است، در این درگیری مردم بسیاری از هر دو طرف کشته شدند، هر دو قبیله از جنگ به ستوه آمده و خواهان آشتی بودند، اما طبق سنت رایج قبیله‌ای برای این‌که جنگ از میان برخیزد و طرف‌های درگیر آشتی کنند، باید به کسان مقتول خون‌بها پرداخت شود. مبلغ این خون‌بها را باید مرد بزرگی، که همه ریاست او را بپذیرند تعیین کند. علاوه بر این داوری را کسی باید برعهده گیرد که خود در دسته بندی و نزاع شرکت نداشته باشد. یافتن چنین کسی در یثرب ممکن نبود، چه اولاً بیشتر رؤسای مهم قبیله‌ها، در جنگ داخل بودند و ثانیاً رئیس هیچ قبیله‌ای حاضر نمی‌شد، خود را از دیگری کمتر بدانند. (شهیدی، ۱۳۶۹، ۵۵)

در پی این انتظار بود که پس از یک سال، دوازده تن به نمایندگی قبیله‌های پرآوازه‌ی یثرب، به مکه آمدند تا در موسم حج و استفاده از آن فرصت، با پیام آور وحی بیعت کنند، آنان از هر قبیله‌ای، تنی را برگزیدند و به مکه فرستادند. اسعد بن زراره از بنی‌تجار و بنی‌مالک بن نجار، رافع بن مالک از بنی‌زریق، عبادة بن صامت و یزید بن ثعلبه از بنی‌عوف بن خزرج، عباس بن عبادة از بنی‌سالم و بنی‌عجلان، عقبه بن عامر از قبائل بنی‌سلمه، بنی‌سارده و قطبة بن عامر از بنی‌سواد، بن‌تیهان از بنی‌عبدالاشهل و... اینان در عقبه نخستین با پیامبر ﷺ بیعت نمودند. در همین سال، پیامبر اکرم ﷺ به خواست مردم پاسخ داده و مصعب بن عمیر را به یثرب می‌فرستد.

مصعب، در مدینه از رسالت پیامبر اسلام ﷺ سخن می‌گوید و قلوب فراوانی را شیفته‌ی رسالت ایشان می‌نماید. در سال بعد، یثربیان، ۷۳ تن از مردان خویش

را به مکه می‌فرستند. پس از انتظاری طولانی، قامت رسای محمد ﷺ را دیدار می‌کنند و با ایشان بیعت می‌نمایند. آنان با پیامبر ﷺ بیعت می‌نمایند. با بیعت آنان، تحولی ژرف در بعثت پیامبر ﷺ روی داد. از این پس، شهر یثرب در نزدیکی مکه، هر مسلمانی بی‌پناهی را آغوش می‌گشود و تدریجاً رهسپار مدینه‌النبی می‌شوند.

هجرت پیامبر ﷺ، پاسخی به انتظارات

پیامبر ﷺ، طبق رسالتی که دارد، باید پاسخ انتظارات و درخواست‌های به حق یثربیان را بدهد، زمینه‌ای در یثرب فراهم شده که رسالت جهانی پیامبر ﷺ را تحقق عینی می‌بخشد و او را در مسیر آرمان‌هایش موفق می‌نماید. هجرت پیامبر ﷺ، حرکت تحول آفرینی است که از آن پس، انجماد موجود در مکه مشاهده نمی‌گردد، هجرتی است که به جامعه‌ی بسته‌ی آن روز حرکت می‌بخشد و انتقال به وضعیتی مطلوب را نوید می‌بخشد.

مسأله‌ی هجرت در تاریخ اسلام، قرآن و سیره‌ی پیغمبر، نه یک واقعه است... بلکه یکی اصل بزرگ اجتماعی است... و در این جاست که مادر برابر یک اصل بسیار بزرگ و عمیق و جدی «به نام هجرت» قرار می‌گیریم، اصلی که تا هر که «فهمیدن» می‌تواند، عمق و ارزش آن را فهمید... (شریعتی، بی‌تا، ۲۵۰)

در مدینه، یاران پیغمبر، مهاجران و انصار، هر روز پس از نماز صبح از شهر بیرون می‌آمدند و چشم به راه مکه می‌دوختند و تا هنگامی که خورشید بر بلندی ظهر بالا می‌آمد سرشار از شوق و اضطراب منتظر می‌ماندند. (شریعتی، بی‌تا، ۲۵۹)

انتظار مدینه، انتظار تاریخ انسانیت بود، انتظاری برای صلح و آرامش و امنیت و عدالت. عاقبت انتظار تاریخ به سر آمد و چشم‌های کودکان منتظر و از اختلاف دیرینه‌ی اوسی و خزرجی به مشاهده‌ی حقیقت روشن می‌شود، آنان همدیگر را در موج بی‌تاب اشک‌های لبریز از شعف، به آغوش می‌کشند.

یکی از باورهایشان این بود که او، همچون آنان است، ساده، بی‌رغبت به آزمندی‌های زراندوزانه و همچون آنان زندگی می‌کند. دیگر باورشان آن بود که صلح را به ارمغان می‌آورد و امنیت را می‌گستراند، دیگر باورشان، ارزانی داشتن عقل و منطقی به جای جدال‌ها و مخاصمه‌ها است و نیز باورشان آن بود که پیشوای عدالت است و...

عملی شدن باورها

آن باورها و امیدها، همه در پرتو حضورش در یثرب به بار نشست. زندگی ساده و بی‌تکلفش، حتی پایین‌تر از سطح محرومان یثرب و جزیره است. خانه‌ای که پس از ورود به یثرب برایش ساختند، ساده‌ترین خانه برای یک انسان است.

پیغمبر ﷺ وارد شد به یک آدمی درجه سهای و اشخاصی که دورش جمع شده بودند، یک اشخاص فقیر و بی‌بضاعتی و خودش هم یک منزل و اطاق (نه مثل این اطاق)، یک اطاقی با ساقه‌ی خرما، چند تا اطاق برای خودش و مسجدش هم آن‌طور. (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۰۳) مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تختی که بر روی آن می‌خوابید، از چوب ساختند و کف آن را با لیف پوشاندند. (شریعتی، بی‌تا، ۳۶۷۰)

ابن هشام، در سیره‌اش چنین آورده است:

وكان سريرته خشبات بالليف ... (ابن هشام، ۱۳۵۵، ۱۴۳)

تخت و سریر پیامبر ﷺ، چوب‌هایی از لیف خرما بود.

ابن هشام می‌نگارد:

كانت بيوته تسعة، بعضها من جريد مطين بالطين و سقنها جريد

(ابن هشام، ۱۳۵۵، ۱۴۳)

خانه‌های پیامبر ﷺ، نه خانه بوده که بعضی از گل‌هایی بر گل نهاده بوده و سقف آن را از بافته‌هایی از لیف خرما ساخته‌اند.

امام صادق علیه السلام او را در عبارتی کوتاه و شورانگیز این گونه ستوده است:
كان رسول الله صلى الله عليه وآله يجلس جلوس العبيد و يأكل اكل العبد و يعلم انه
العبد

پیامبر صلی الله علیه و آله، همچون بنده‌ای نشستن داشت و خوردنش همچون غذای
بنده بود و می دانست که او بنده‌ای است.

این نحوه از زندگی و معیشت، درسی بزرگ بود که از همان آغاز بر دل‌ها
نشست و نشانه‌ای بود که او هرگز، از عنوان و منزلت پیامبری، نمی خواهد برای
خود چیزی بیندوزد و بهره‌ای مادی و دنیوی ببرد. شیوه‌ی زندگی‌اش، دل‌ها را
شیفته خود ساخت و سیره‌اش زاینده‌ی ایمان و امید و شادی و عشق و تصمیم به
ساختن تاریخ فردای بشریت بود.

بنیاد گذاری حکومتی پاسخ گو

پس از بزرگ‌ترین پاسخ به خواست مردمی شیفته و دلداده و عاشق (هجرت) و
استقرار در مدینه، برادری بین مهاجر و انصار را از لوازم جامعه‌ی آرمانی
خویش دانسته و در آغاز آن را عملی می‌سازد.

ابن اسحاق گفته، پیامبر صلی الله علیه و آله بین اصحابش، برادری را استوار کرد،
مهاجرین و انصار را فرمود: برادر شوید در راه خدا دو تن، دو تن، سپس
دست علی ابن ابی طالب علیه السلام، را گرفته و با صدایی بلند فرمود: این، برادر
من است. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ۱۵۰)

پس از آن که یثرب، پایگاه مسلمانان گردید و برادری مهاجر و انصار یا
بهرتر بگویم پیوستگی عرب قحطانی و عدنانی تحقق یافت و حدود و
حقوق مسلمانان و یهودیان اعلام شد، موقع آن رسید که اسلام، دومین
مرحله‌ی موجودیت خود را اعلام کند، چنان‌که می‌دانیم شعار اسلام در
مکه، توحید (دعوت به خدای یگانه و دور افکندن آیین بت پرستی) و
نیز عبادتی مختصر بود، در مدینه جنبه‌ی سیاسی و اجتماعی آن نیز
اندک اندک گسترش یافت. اذان شعار نمازها گردید، تشریح، احکام

معاملات، پرداخت مالیات، حدود و دیگر حکم‌های سیاسی و اجتماعی آغاز شد و حکومتی براساس دین پدید آمد که قوام آن عدالت اجتماعی بود و در عین حال رأی مردم نیز در آن محترم شمرده می‌شد. (شهیدی، ۱۳۶۹، ۶۷)

حکومتی روش‌مند را تأسیس نهاد، حکومتی که با رویه‌ی ملاحظت‌آمیز و مشورتی با مؤمنان تأسیس گردیده در مسائلی که وحی، تکلیف آن را روشن نکرده بود، به دستور مستقیم الهی با مهاجر و انصار به مشورت می‌پرداخت. تصویری که از دین ارائه نمود، این بود که دین، سیستمی جامع و پاسخ‌گو به همه‌ی خواسته‌های بشر در عرصه‌های مختلف و در قلمروهای گوناگون است. بدین وسیله فرود آمدن کامل آیات وحی در مدینه و تکمیل شدن آن، جامعه‌ی نبوی را از یک مرام‌نامه و اساس‌نامه‌ی کامل برخوردار نمود و سنتش مواردی را که برای مؤمنان نامفهوم بود، روشن ساخت و سیستمی را، در تمام عرصه‌ها، بر جامعه بشریت عرضه نمود.

برجسته‌ترین عناصر پاسخ‌گویی در حکومت نبوی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که درود خدا بر او باد، تنها برای هدایت یک قبیله، یا یک ملت نیامده بود، او مأموریتی جهانی داشت:

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان، ۱)

آمده است که بیم‌دهنده و راه‌گشایی برای عالمیان باشد.

او می‌بایست بشریت را از چنگال جهل و پرستش‌بت‌های جان‌دار و استبداد و زورگویی فرمانروایان ستم‌پیشه و تقلیدهای ناروای کورکورانه و از تعصبات قبیله‌ای و عادات و اخلاق تباه‌گر روح انسانی و... نجات بخشد. طبیعی است که همه‌ی این موارد با اقتدار نبی حاصل می‌شود و لذا باید حکومتی را با چنین فلسفه و هدف‌مندی بنیادگذار، حکومتی را با اهداف عالی و غایات قدسی پایه‌گذاری نمود. حکومتی که انسانیت را می‌پرورد و می‌سازد.

آن طرز حکومت اسلام، طرز حکومت آدم‌سازی است، شما خود،

رؤسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین علیه السلام که بعد از او رئیس اسلام بود. شما خود آنها را ببینید که وضعیتشان چه جور بوده است. دیکتاتوری بوده است؟ پیغمبری که با مردم دیگر وقتی می نشست معلوم نبود آقا کدام است و نوکر کدام است - و عرض بکنم - که اصحاب کدام است و خود پیغمبر کدام است، پیغمبری که با مردم همان طور می نشست، جلسه بندها و فقرا بود در زندگیش زندگی فقرا بود و بیت المال، مال مردم بود و هیچ تصرفی نمی کردند، مثل یکی از فقرا زندگی می کرد. (امام خمینی رحمته الله علیه)

(۱۰۲، ۱۳۷۵)

طبیعی است که چنین حکومتی، به کلیدی ترین پاسخ های تاریخ و خواست درونی انسان ها پرداخته باشد، که در این جا به برخی از موارد برجسته ی آن اشاره می کنیم.

۱) پیروانند کارگزارانی درست کار در حکومت

در شعاع نورانی آیات وحی و تابش کلمات راه گشا و عمل تعیین کننده و سازنده اش، کارگزارانی درست کار و امین و شرافت مند و دل سوز و فعال تربیت نمود و با این اقدام، تحولی ژرف در دستگاه دولت و سازمان اداری خویش پدید آورد، که قبل از آن بی سابقه بوده و پس از آن هم در تاریخ مشاهده نگردیده است.

کارگزارانی خداترس و بلند نظر، آن هم از مردمی وحشی و تبهار، مردمی که به تاراج ملک و تملک زن و فرزند هم دیگر شتافته و به خاطر متاعی ناچیز، خون هم می ریختند و در این راه، جان و مالشان را به باد می دادند و در سایه ی تربیت اسلام چنان شدند که با همه ی قدرت، بر تصاحب غاصبانه ی مایملک دیگران، به آن به حرمت می نگریستند و دستبرد به حقوق دیگران را، چه هم کیش و چه ناهم کیش، روا نمی شناختند، رویه، تازه ای که محمد صلی الله علیه و آله در اقتصاد و سیاست پیش

گرفته و پیروانش را به تبعیت از آن خوانده بود، چنان در آن مؤثر افتاد که خوی و عادات دیرینه را به کلی ترک گفتند. (فارسی، بی تا، ۱۴۰)

خدمت گزاری و نه منفعت طلبی

یکی از مشخصه‌های بارز و مشهود کارگزاران حکومت نبوی، دغدغه‌ی خدمت به مسلمانان نخستین بوده که این کار را بزرگ‌ترین حسنه و فضل الهی در حق خود می‌دانستند. زیرا که پیامبر ﷺ، خود زوائد معیشت را از زندگانی خود به کلی حذف کرده بود و نقش یک راهنمای صالح را ایفا می‌نمود.

قوت غالبش نان جوین و خرما بود، که عایشه گفته است: گاهی یک ماه بر ما می‌گذشت و دودی از مطبخ ما بلند نمی‌شد. (مسلم، ۱۴۰۲ هـ،

(۲۱۸)

سیره و منش پیامبر ﷺ، در اعماق روح کارگزاران حکومتش به شدت تأثیر گذارده، عناصر دولت نبوی، چنان ساخته شده‌اند که هرگز به مخیله‌ی آنها، عنوانی به نام منفعت طلبی قرار نمی‌گیرد. رشوه‌گیری، سوء استفاده از عنوان و برگرفتن «رانت»، در عملکرد آنها ممنوع و حرام و تجاوز به حریم دیگران و گذر از حریم الهی تلقی می‌شود.

عبدالله رواحه یک عنصر جاهلی بوده، چنان منقلب شده و به درجه‌ای از تعالی اخلاقی رفته بود که رفتارش به عنوان یک مأمور و کارمند دولت می‌تواند سرمشق نیک همی جهانیان تا بازپسین دوره‌ی تاریخ باشد، مأمور شده بود از اهالی خیبر مالیات بر درآمد بگیرد، و برای این کار می‌بایست محصولات و عوائد کشاورزی آنان را بسنجد تا از روی آن مبلغ مالیات معلوم شود. این درآمد معمولاً میان فقیران و مستحقان همان منطقه تقسیم می‌شد. وقتی به آنجا رفت، یهود خیبر به رسم همیشگی از پی تطمیع او برآمده، رشوه‌ای عرضه کردند که از جواهرات زنانشان بود و گفتند: این را از ما بستان و در برابر، در هنگام ارزیابی محصول، چشم از مقداری فروبند. بی‌درنگ رشوه را پس زد و عمل آنها

را تقبیح کرده و گفت: گرچه شما اهالی خیبر پیش من از هر کسی منفورترید، اما این باعث نمی‌شود که در کار اخذ مالیات بر شما ستم یا اجحاف کنم. ضمناً هرگز حق عموم را به خاطر رشوه‌ای پایمال نخواهم کرد. رشوه‌ای که پیش کش کرده‌اید حرام است و گرفتنش حرام خواری و ما حرام خواره نیستیم. یهود که از رفتار عادلانه‌ی بی سابقه و بی مانندش در شگفت شده بودند، از سرشیفتگی و شادمانی فریاد برآوردند که «این» شالوده‌ی استواری آسمان‌ها و زمین است. (فارسی، بی تا، ۱۴۰)

آنچه از سیره‌ی پیامبر ﷺ در حکومتش موجود است، سرمایه‌ای ارجمند است که این سرمایه عظیم، برای بازگشت مسلمانان به خویشتن، سرنوشت ساز است که اگر به کار افتد، نه تنها برای امت بزرگ اسلامی، بلکه برای انسان عصر کنونی بسیار تعیین کننده و نقش آفرین است.

۲) چشاندن طعم عدالت

حکومت پیامبر ﷺ، خود را در برابر خواسته‌ی مردم در باب ایجاد عدالت، مسؤول و پاسخ گو می‌داند و بدین روی در بسط عدالت در خدمات عمومی، در تقسیم بیت‌المال (حقوق مستمری ماهانه)، برآوردن نیازها، قضاوت، دادن حقوق اجتماعی، زندگی شخصی و... می‌کوشد و هر جا هم میل اندکی از پیروان خود در تخطی از عدالت می‌بیند، برمی‌آشوبد و آن را تحمل نمی‌کند.

در جامعه‌ی دینی، برآوردن نیازهای اساسی جامعه، از ورودی‌های به حوزه‌ی عدالت محسوب می‌گردد. مضافاً به این که عدالت خواهی هنگامی از هرم بالای حاکمیت به متن توده‌ی اجتماعی سرایت خواهد نمود که حاکمان، شخصاً، عنصر عدالت را از خود آغاز نموده باشند.

همت عالی زمامداران عادل و بشر دوست اجازه نمی‌دهد مادام که فقر و بدبختی همه‌ی انسان‌ها را از میان بر نداشته‌اند و همه‌ی آنها را از یک زندگی متوسط برخوردار نکرده‌اند، خودشان در ناز و نعمت به سر برند.

(زنجانی، بی تا، ۴۰۱)

به این جهت که باید عدالت حاکم شود و افراد نتوانند پا را از مرز عدالت فراتر نهاده و از «رانت» قدرت سوء استفاده کنند، توصیه به کار و تلاش را سرلوحه‌ی کار مسلمانان قرار دادند و می‌فرمودند:

نعم العون علی تقوی الله الغنی (الحرالعاملی، ۱۳۹۷، ۳۵)

بهترین راه بر کسب تقوی، بی‌نیازی است.

و بی‌نیازی را در کار می‌جستند.

پیامبر ﷺ برای تجلیل کار و تحسین جامعه به انجام کار و تنها از دسترنج خود بهره‌مند شدن، دست‌کاری را که از شدت فعالیت متورم شده بود، می‌بوسد و می‌فرماید: «تلك ید یحبه الله و رسوله و لا تمسها النار» این، دستی است که خدا و رسولش او را دوست می‌دارند و آتش او را نمی‌سوزاند. (فارسی، بی تا، ۲۵۱)

در راستای تأمین عدالت و پاسخ به جامعه، پیامبر ﷺ چند کار را در حکومت خویش منع فرموده، دزدی، غصب، قمار، غش در کالا، احتکار، رشوه، رباخواری و رانت‌های اقتصادی و... البته اگر این موارد تحقق یابد، عدالت در حوزه‌ی اجتماعی، به صورتی مشهود، خود را نمایان خواهد ساخت. جابر ابن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ، رباخوار، متصدی کار رباخواری، نویسنده و شاهد بر آن را لعنت فرموده است و فرموده است که آنها یکسانند. (مسلم، ۱۴۰۲ هـ، ۲۸۵)

رویه‌ی پیامبر ﷺ آن بود که به سبب آن، عدالت در جامعه نهادینه شود و هیچ‌کس بدون زحمت و رنج، چیزی را به دست نیاورد. در تقسیم غنایم نهایت عدالت ورزی را اعمال می‌نمود.

ابوداود به نقل از عمیر، که برده‌ی ابوالاحم بود، چنین روایت می‌کند: همراه با سروران خود در خیبر حضور یافتم و آنان درباره‌ی من با رسول خدا ﷺ گفتگو کردند، پس فرمان داد شمشیری به میان بستم، در حالی که شمشیر را در پی خود می‌کشیدم، به آن حضرت اطلاع داده شد که من

یک برده‌ام و در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود از اموال به غنیمت درآمده به من دادند. (ابوزهره، ۱۳۷۳، ۷۰)

ابن اسحاق، در مورد سهم زنان در غنایم خیبر می‌گوید: همراه با رسول خدا گروهی از زنان نیز در خیبر حضور یافتند و رسول خدا ﷺ قدری از غنایم به آنان داد. (ابوزهره، ۱۳۷۳، ۷۱)

با این‌که اراضی فدک، ملک اختصاصی رسول خدا بود، اما آن حضرت به مقدار احتیاج سالانه‌ی خود از آن برمی‌داشت و باقیمانده را به مصرف خرید سلاح و تجهیزات و سایر مصالح عمومی مسلمانان می‌رساند. (ابوزهره، نقل از البداية و النهاية، ۲۰۳)

از کلیه‌ی اسناد تاریخی، به اتفاق، برمی‌آید که عدالت از گزینه‌های اصلی حاکمیت رسول اکرم ﷺ بوده است، به نحوی که در تاریخ مدینه و در تاریخ بشریت مشاهده نگردیده است.

۳) برآوردن مستضعفان

حکومت نبوی در مدینه، سبب تحولاتی عمیق و همه‌جانبه در روابط اجتماعی گردید. روابط، کاملاً تلطیف شده و جنبه‌ی انسانی و الهی به خود گرفتند. ایمان به آیین جدید، همه‌ی روابط فرسوده‌ی پیشین را به یک‌سو افکند و جامعه را از صورت دو گروه استثمارگر و استثمار شده و مستضعف خارج نمود.

با رخداد جنبش اجتماعی اسلام، وضع به کلی دگرگون شد، خدای آفریدگار اراده کرده بود که با این نهضت، به طبقات محکوم و محروم و ستمزده نعمت گران بخشد و آنان را به دین مایه‌ی هدایت و حق حاکمیت و مالکیت و دین‌پذیری آزادانه نائل آورد. «اراده کردیم به طبقات محروم و محکوم و ستم‌زده نعمتی گران بخشیم و ایشان را به حاکمیت و پیشوایی زمین درآوریم.» (فارسی، بی‌تا، ۳۷۸)

شایستگان حق حاکمیت یافتند، اگرچه از ثروت دنیا بی‌بهره باشند و

روزی عمر استاندارش را در مکه به نام نافع بن حارث در عسفان دید، پرسید چه کسی را به جای خود به کار استانداری گمارده‌ای و به این جا آمده‌ای؟ گفت: پسر ابزی را. با شگفتی پرسید: پسر ابزی کیست؟ گفت برده‌ی آزاد شده‌ای است. عمر گفت: برده‌ی آزاد شده‌ای را بر اهالی محترم مکه گماشته‌ای؟ گفت: او آموزگار قرآن است، دین شناس است، قاضی است. عمر گفت: همین طور است، کار درستی کرده‌ای، پیغمبرتان فرموده است که «خدا به وسیله‌ی قرآن، اقدامی را بالا می‌برد و ارتقا می‌بخشد و اقدامی دیگر را فرود می‌آورد». (فارسی، بی تا، ۳۷۸)

بردگان، به مقامات عالی‌ی اجتماعی دست یازیدند و قدر و منزلتی پرشکوه پیدا نمودند، عکرمه، مفسر و دانشمند بزرگ، برده‌ی آزاد شده‌ی عبدالله عباس بود، که اکنون نامش در ردیف او برده می‌شود. نافع برده‌ی آزاد شده‌ی عبدالله عمر، با آنان هم ردیف شده، عمار یاسر، پیشاهنگ اسلام که اکنون در ردیف شخصیت‌های نامور است. بلال، ابی‌ذر غفاری، صهیب رومی، برده‌ای سیاه پوست و... و بسیاری دیگر، این قضیه، برآمد و جنبه‌ی عملی پیدا نمود. آیا بردگان غیر این می‌خواستند و آیا تاریخ، غیر این مورد را در دل خود فریاد می‌کرده است؟

در واقع، ارزش هر حکومتی هم بسته به پاسخ‌هایی است که به مهم‌ترین مسائل حیاتی جامعه بدهد و بسته به تغییر کیفیتی است که به انسان و جامعه و تاریخ ببخشد و این مهم را حکومت نبوی، به نحو کامل، برآورده است و جریان حیات انسانی، زمینه‌ای را جهت پیدایش انسان‌های برتر تحقق بخشیده است.

۴) برقراری وحدت و امنیت

مسأله‌ی وحدت و امنیت، دو عنصر کلیدی برای سلامت جامعه‌اند، یعنی جامعه در بسترهای وحدت و امنیت به شکوفایی و رشد دست می‌یابد و استعدادها و

قابلیت‌ها شکفته می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طیبی حاذق در مقوله‌ی نگهبانی جامعه و حکمرانی است. جامعه‌ای که کارشان برادرکشی و تجاوز به حریم یکدیگر است، فضای ناامنی را ایجاد کرده است:

حمله به گروه‌های دیگر و آنچه در دست آنها است برای آسایش خود به چنگ آوردن، برای چادر نشین کاری عادی است. بدین سبب در تاریخ این مردم - پیش از ظهور اسلام - خونریزی‌ها و کشتارهایی را می‌بینیم که، غالباً، بر سر مسائل جزئی پدید آمده، اما سال‌ها ادامه داشته است. (شهیدی، ۱۳۶۹، ۲۷)

علی علیه السلام هم این وضعیت ناامن را به تصویر کشیده است و می‌فرماید:
وانتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار... و تسفکون دماءکم
و تقطعون ارحامکم... (صالح، ۱۳۸۷، ۶۸)

شما ای جامعه‌ی عرب در بدترین دین و در بدترین خانه بودید...
خونریزی کرده و قطع رحم می‌کردید.

این وضعیت، هم تفرقه را سبب می‌گشت، هم ناامنی را، که قطعاً هر دو مقوله‌ای کشنده بودند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید پاسخ‌گوی چنین وضعیتی باشد. عقد اخوت و برادری میان مسلمانان، و میان اوسیان و خزرجیان، فراموش کردن کینه‌های کهن، کاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده است.

قرآن مجید، نقش پاسخ‌گویی پیامبر صلی الله علیه و آله را، در این زمینه، عجیب ستوده و در اوجی فرازمند مطرح نموده است:

و چنگ زنید به ریسمان الهی، همگی تان و پراکندگی نکنید و یادآورید نعمت خدا را بر خودتان آن‌گاه که دشمن هم بودید و خدا قلب‌های شما را به هم مهربان ساخت، تا این‌که برادر هم شدید و شما بر لبه‌ی گودالی از آتش بودید که خدایتان نجات داد. چنین است که خدا بیان می‌کند برای شما نشانه‌های خویش را که شاید هدایت شوید. (آل عمران،

(۱۰۳)

داستان این وحدت و امنیت، چنان شکوه‌مند است که در تاریخ زبان‌زد است که انصار، همه‌ی مال خویش را حاضر است به مهاجر ببخشد و در جنگ‌ها، همچون تبوک، از غنیمت خویش به نفع مهاجر، چشم پوشد و خانه‌ی خود را به کلی به مهاجر وانهد و...

روح این پیمان، تأمین وحدت اسلامی است با پیوند قبیله‌های مختلف و تأمین صلح، آزادی و امنیت برای همه‌ی مردم به رغم اختلاف در هر زمینه، حتی در باورهای دینی. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ۱۴۷)

۵) تکاملی همه جانبه و تمدنی بی‌مانند

جهل، نادانی و غرور مانع تکامل فرد و جامعه است. این مسأله قبل از رسالت پیامبر ﷺ از علائم و مشخصه‌های پر نمود جامعه‌ی جاهلی بوده است. بت پرستی‌ها، برده‌داری‌ها، دخترکشی‌ها، فتنه‌ها و جنگ‌ها همه از عوامل جهل سیراب می‌گشته و برمی‌آمده است. بعثت پیامبر اسلام ﷺ و تلاش‌های بیست و سه ساله‌ی آن دردانه‌ی خلقت، زداینده‌ی جهل‌ها، غفلت‌ها و غرور و اخلاقیات نکوهیده است. عدم مساوات و بزهکاری‌های دیگر آن دوره را به کناری افکنده، جامعه‌ای با معیارها و ترازنامه‌ی وحیانی تنظیم می‌نماید. هرگاه در نظام کاملی که پیامبر اسلام ﷺ تشکیل داده دقت کنیم و آن را با نظام‌های قبل و بعد آن مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که نه شبیه هیچ‌کدام و نه تقلید از هیچ‌کدام و نه اقتباس از آنها بوده، نظامی فرید و جدید و بی‌سابقه است:

آن هم در چه زمانی! به گاهی که در محاصره‌ی مخالفین قرار گرفته و وضع کشنده و خفقان باری دارد و از شهر و دیار خویش آواره شده است، علاوه بر این‌ها یک قانون بین‌المللی عرضه کرد که دنیای نو با همه‌ی پیشرفت و پیوستگی و نیاز مبرمش به چنین قانونی، نتوانسته به پرتوی از خورشیدش دست یابد، از میان قومی که از علم و آزاداندیشی بیش از همه‌ی اقوام فاصله دارد، جنبشی در جهت دانش پژوهی و تکریم

علم و آزادی اندیشه پدید آمد و یک تمدن بی‌مانند معنوی را پی
ریخت. (فارسی، بی‌تا، ۹۳ و ۹۲)

پاسخ‌های دیگر محمد ﷺ پیام آور رحمت الهی، پاسخ‌های عملی در
زمینه‌های تثبیت دانش و هدایت و نهادینه سازی آنها، حکومت زاهدانه، حتی در
نقاطی دور از وجود مقام رسالت، رعایت بیت‌المال، پیکار و تلاش و مجاهدت
در تثبیت مبانی و غایات دینی است که اصحاب صفا با شمشیر حمایل شده
می‌خوانند و منتظر فرمانی از پیامبر ﷺ در راه آرمان‌های متعالیش، وفاداری به
پیمان‌ها، خیرخواهی همدیگر در جامعه، دفاع از حریم عقیده‌ی دینی، ایجاد
مدیریت‌های سالم، تثبیت فضایل و مکارم اخلاقی، و... می‌باشد.

این همه، در سایه‌ی مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های مدام مقام رسالت و نبوت
پیامبر ﷺ ختمی مرتبت بوده است. انباشت ثروت را بر نمی‌تافت، زیرا که باعث
دو شقه شدن جامعه است. عدالت را در خانه‌ی خود حاکم نمود و فرضی را تبیین
می‌فرماید که اگر فاطمه دختر محمد ﷺ از بیت‌المال بدون اجازه‌ی وی برگردد،
حد سارق بر او زده خواهد شد. آری این است پاسخ‌های مقام رسالت و نبوت و
حکومتی که پیامبر ﷺ بر ویرانه‌های نظام جاهلیت تأسیس نهاده که الگوی ره
گشا و نقش آفرین تاریخ همواره‌ی بشریت است.

منابع و مأخذ

- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۳)، السیرة النبویة، مصطفی شعار، ابراهیم
الابیاری، قم، انتشارات ایران، ج ۲.
- ابوزهره، محمد (۱۳۷۳)، خاتم پیامبران، ترجمه‌ی حسین صابری، مشهد،
بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امام خمینی رحمته‌الله علیه، روح الله (۱۳۷۵)، تبیان، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی،
دفتر دوازدهم.
- باهنر، محمد جواد و رفسنجانی، علی اکبر (بی‌تا)، محمد خاتم پیامبران، تهران،

- حسینیه ارشاد، ج ۱ .
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۷)، وسایل الشیعه، تهران، مطبعة الاسلامیه
 - زنجانی، سید ابوالفضل (بی تا)، محمد خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد.
 - شریعتی، علی (بی تا)، محمد خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد.
 - شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ تحلیلی اسلام، مرکز نشر دانشگاهی.
 - صالح، صبحی (۱۳۹۵)، نهج البلاغه قم، مرکز البحوث الاسلامیه.
 - فارسی، جلال الدین (بی تا)، انقلاب تکاملی اسلام، بی تا.
 - مسلم، صحیح (۱۴۰۲)، قاهره، مكتبة الاعلام.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی